

آزریاد

هر سه ماه منتشر میشود



<http://www.rastakhiz.org>  
[iran@rastakhiz.org](mailto:iran@rastakhiz.org)

آزریاد



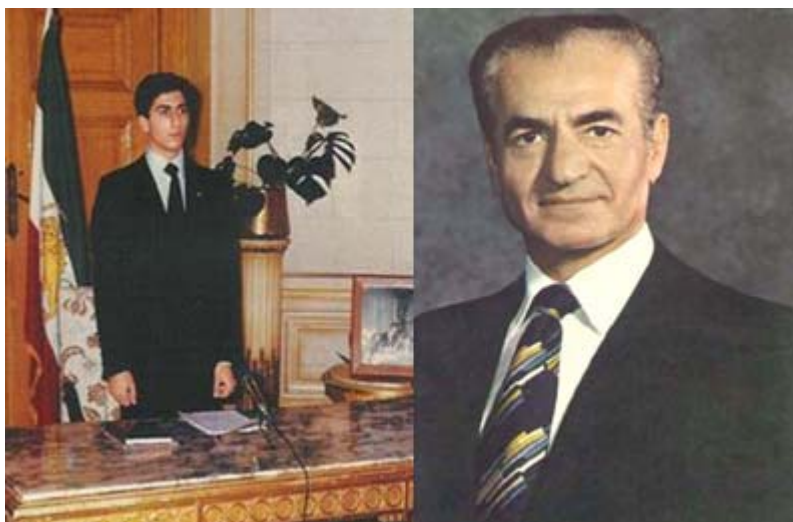
ارگان سازمان رستاخیز ایران



سال نخست شماره سه پاییز 2567 شاهنشاهی - پاییز 2008 ترسایی

سخن رستاخیز

## زادروز شاهان پهلوی



9 آبان ماه 1339

4 آبان ماه 1298

سهولت راه بند توطئه آنها دربرپایی جنگ خانگی و تجزیه آریابوم شود. دربرون اما، اشاره ای داریم تنها به «سند هویت» همایش پاریس درجون 2007 محصول مشترک آخوند و ارباب به کارچرخانی شهریاراهی که اظهارلحیه کرد: ما بدنبال براندازی جمهوری اسلامی نیستیم و میتوان با سران ج.ا برسر یک میز نشست. به صراحت دراین سند آمده است که خواهان مورثی نبودن حاکمیت! حقوق سیاسی اقوام! فدرالیسم! حکومت نامتمرکز و روش گام به گام! [روش اصلاح طلبان حکومتی و ارباب] هستند. یعنی زمینه چینی برای جنگ داخلی و آمادگی برای تجزیه.

با نگاهی اجمالی به حرکات درون و برون کشورروشن میشود که بیگانه با دستیاری مزدوران بی دستار و با دستارخود در پی اجرای مرحله سوم «مسئله ایران» است. با قدرت به مقابله و رویارویی با «آنها» بشتابیم.

بیگانه هر زمان که «زور» داشته، تا جاییکه توانسته است «درهم شکسته» را «له» کرده است. بیگانه منافع، امنیت، هستی خود را می جوید و ترحمی به مغلوب ندارد. «دست درازان» همواره ازبودن کشورهای بزرگ و مردمی نیرومند، ناخرسندند. سی سال پیش، نخست، نظام قانونی و مردمی شاهنشاهی را از میان برداشتند و «شاهنشاه» را کشتند. درمرحله دوم به دستمایه «آخوند» کشوررا ناتوان کردند و تخم نفاق و کینه میان مردم پاشیدند و ایران را برای آغاز یک جنگ خانگی و تجزیه آماده کردند.

در درون، در ولایت مطلقه آخوند، سخن گفتن و حتی اشاره به اشغال میهن درشهریور 1320 ونجات آذربایجان و کردستان، رویدادی به آن ارزشمندی و عبرت انگیزی، به هیچ روی مجاز نیست و بی چون و چرا ممنوع است تا آنجا که کتاب های دانشگاهی هم دراین باره سی سال است که سکوت کرده اند. آنها نگرانند که مبادا با آشکاری حقایق نتوانند تاریخ را دردرون «تحریف» کنند و ناسیونالیسم ایرانی بتواند به

### مسئله ایران

ایران زمین دردرازای تاریخ پُرفراز و فرود چندین هزارساله خود همواره با بیش خواهی بیگانگان روبرو بوده و ناگزیر، برای پدافند ازپابندگی خود، پیکارهای بسیارکرده است. شکست هرگاه سرانجام این جنگ ها بوده، شوربختانه پیامدش ازدست دادن بخشی بزرگ یا کوچک از میهن و دادن تاوان و استیلا یافتگان و اشغالگران بوده است. این قانون طبیعت است که نیروی چیره «حق» دارد تمامی خواسته های خود را آن سان که میخواهد به دست آورد و از پای درآمده هم گزیری جز «قبول» و «سازش» ندارد. فرجام کاراشغال ناجوانمردانه خاک اشویی درهنگامه جنگ دوم جهانی توسط بیگانگان، آهنگ جدا کردن بخش هایی از میهن و برپایی جمهوری های پوشالی زیر «استعمار» آنها بود.

دولت انگلیس نخست دراندیشه جدا کردن بخش های جنوبی کشوربه هدف دستیابی به نفت و کنترل تنگه هرمز و خلیج پارس بود که در پی مخالفت جدی دولت آمریکا، با دستورکار «بلعیدن» ایران درآینده، موقتاً ازاندیشه خود چشم پوشی کرد.

شوروی درپایان جنگ اما، برغم پیمانی که داده بود، نه تنها ارتش سرخ را ازکشوربیرون نبرد بل «زورگویانه» کوشید دردوستان بزرگ «آذربایجان» و «کردستان» دوجمهوری ازآن خود برپا کند. اینکه چه ازخودگذشتگی ها و حماسه ها آفریده شد و چه شماری ازهموطنان ما به خون تنیدن تا این دو پاره تن به آغوش میهن باز گردند، بِن مایه سخن ما نیست.

امروزنیزایران همچنان مورد آزمندی «قدرتمندان» است، ولی به سیاقی دیگر. برای «تجزیه» و سپس «استعمار» بهتر، روش های نوینی ابداع گشته و برنامه هایی درازمدت و «تمیز» تدوین شده است.

**21 آذر، روزیکپارچگی و یگانگی پهنه ایران، روزتبلورتاریخ وحماسه هایش، روزتبلورغیرت، غرور، شهامت و آزادیخواهی ایرانیان، روزسرافکندگی و شرمساری تجزیه طلبان و خائنین و روز شکست بیگانگان، برتمام ایرانیان مبارک وفرخنده باد.**

حضور صندوق های قرض الحسنه و موسسات مالی اسلامی، اختلاف دیدگاه ها میان اقتصاد آزاد و اقتصاد متمرکز دولتی، فساد و دزدی لگام گسیخته دستگاه های حکومتی، تخریق درآمدهای بادآورده ارزی برآمده از افزایش چشمگیر نفت پیامد هایی داشته و دارد که روشن ترین آنها کاهش شدید شتاب بخش حقیقی اقتصاد، افزایش بسیار واردات و فزونی شدید و غیر قابل کنترل تورم بوده است. بر پایه آمار رسمی جمهوری اسلامی در دو سال گذشته رشد نقدینگی 34 % و رشد متوسط بودجه 20 % و به تبع اینها در سال 1386 واردات هفتاد میلیارد دلاری رشد تورم ده درصدی در سال 1384 را به بیست درصد در بهمن 1386 رسانده است.

بانک مرکزی تمهیدات و سیاست های جدیدی برای مهار تورم بیست درصدی که خود به آن اذعان دارد، بکار گرفته است که وزیر کار رژیم اسلامی میگوید: «این سیاست ها نه تنها تورم را کاهش نمیدهد بلکه تیر خلاصی- واژه آشنا و شغل حاکمان و مقامات ج. ا - برای تولید کشور است.»

نا گفته نگذاریم که دولت جمهوری اسلامی در سال جاری که فقط نیمی از آن گذشته است با کسری هنگفت بودجه مواجه شده است بگونه ای که حتی نخواهد توانست حقوق کارمندان دولت را بپردازد. ساده ترین نمونه، کسری بودجه نزدیک به پنجاه هزار میلیارد ریالی در وزارت آموزش و پرورش است و بدین معنی است که دستکم بیش از دو میلیون کودک و نو جوان ایرانی از رفتن به مدرسه محروم خواهند شد.

هنگامی کسری بودجه بوجود میاید که هزینه ها بیش از درآمد باشد. دولت برای غلبه بر کسری بودجه چند راه پیش رو دارد که از آن جمله صرفه جویی در مخارج، توقف کارهای عمرانی، استقراض از خارج، وام از بانک های داخلی، برداشت از حساب ذخیره ارزی، عدم استخدام و اخراج کارگران و کارمندان و کوچک کردن نهادهای دولتی، انتشار اوراق مشارکت و قرضه ملی، فروش دارایی های ملی و دولتی، انتشار اسکناس های بی پشتوانه و استقراض از بانک مرکزی. چشم انداز آینده اقتصادی جمهوری اسلامی بشدت تاریک است و تنها، تخریق درآمد باد آورده نفت است که این بیمار در حال مرگ را به زور سرپا نگهداشته است. بر پایه اعلام رسمی بانک مرکزی نرخ تورم در پایان شهریور 1387 به بیش از 27 % رسیده است. بنابراین سفارش اکید می کنیم که نه فقط از سرمایه گذاری هر اندازه اندک در ایران خود داری کنید بلکه همه دارایی خود را هر چه زودتر به خارج منتقل کنید تا دچار ضرر و زیان جبران ناپذیر نشوید.

## خفگی اقتصاد جمهوری اسلامی

در ایران نه تنها سرمایه گذاری نکنید بلکه سرمایه تان را هم خارج کنید



از: دکتر فریبرز صدیقیان

اقتصاد جمهوری اسلامی که بر پایه سود بدست آمده از فروش نفت و دیگر منابع طبیعی کشور و پخش پول در جامعه به هدف خاموش نگهداشتن مردم بود و در این میان هیچ توجهی به اصول ثابت شده اقتصادی نشد و در پی تولید و ساختارهای بنیادین و سازنده اقتصادی بر نیامدند. استفاده بی رویه و نابخردانه از معادن و منابع طبیعی سبب خرابی و کم شدن آنها شده و در پهنه کمی و کیفی بشدت نزول کرده است و مایه کاهش درآمد مالی برای رژیم گشته است و از سوی دیگر تداوم کاهش بهای نفت و ناگزیر فرو افتادگی درآمد نفتی و همچنین عدم تمایل بخش های دولتی و خصوصی کشورها ی بیگانه و نیز ایرانیان برون مرزی و افزایش بسیار مصرف سوخت در داخل نگرانی و آشفتگی بسیاری برای سرمداران جمهوری اسلامی پدید آورده است. بر پایه گزارش های بانک مرکزی، که تا کنون چندین رییس کل آن استعفا کرده و یا برکنار شده اند، برغم تدابیر شدید و چفت و بست چند گانه بر خزانه بانک مرکزی برای رویارویی با برداشت بانک های دولتی و خصوصی از این بانک، بدهی بانک ها ی کشور به بانک مرکزی در سال گذشته به دو برابر و نیم رسیده است. میزان بدهی بانک های تخصصی و بازرگانی دولتی یکصد و سی و هفت هزار میلیارد ریال و بدهی بانک های خصوصی و موسسات اعتباری غیر بانکی در سال پیش به بانک مرکزی برای نخستین بار به یک هزار و هشت صد میلیارد ریال رسید که یکی از ابزار رشد نقدینگی و نیز ورشکستگی نظام بانکی کشور و خفگی اقتصادی کشور است.

میزان نقدینگی در کشور که در خور درنگ و اندیشیدن است در سال 1386 برابر یک هزار و ششصد و چهل میلیارد ریال است که نسبت به سال 1385 نزدیک به 28 % رشد داشته است. گرانی از جمله مهمترین دشواری های مردم است که همواره در دوران حکومت جمهوری اسلامی وجود داشته و چندی است که رشد سرسام آوری یافته و به مرز نگران کننده ای رسیده است. بی ثباتی سیاسی، عدم امنیت، ناامنی سرمایه گذاری، فقدان دانش و آگاهی اقتصادی، بیماری اقتصاد کشور، داخله نهادها و باندهای قدرتمند در امور مالی و اقتصادی،

## دیوانگانی که به تبدیل شدن ایران به گورستان اتمی می اندیشند



از: دکتر حسن کیوده

آقای بنی موریس مورخ مشهور و استاد دانشگاه بن گورین طی مقاله ای در شماره روز جمعه هجدهم ژوئیه روزنامه نیویورک تایمز می نویسد: "اسرائیل به یقین در عرض چهار تا هفت ماه آینده تاسیسات هسته ای ایران را بمباران خواهد کرد." نویسنده مقاله آنگاه اضافه می کند "دولتمردان ایران و آمریکا باید دعا کنند که این حمله بتواند تاسیسات اتمی ایران را بکلی نابود کند و یا حد اقل ضربات کاری به آنها وارد سازد وگرنه در غیر این صورت درگیری هسته ای بین ایران و اسرائیل اجتناب نا پذیر خواهد بود" این استاد دانشگاه بن گورین در بخش پایانی مقاله خود آورده است "بهتر است رهبران ایران در قمار خود تجدید نظر کنند و دست از غنی سازی اورانیوم بردارند که اگر چنین نکنند تنها شانس آنان اینست که دعا کنند حمله غیر اتمی اسرائیل به تاسیسات هسته موفقیت آمیز باشد.

تردید نیست همین حملات غیر اتمی هم هزاران کشته و مجروح برجای خواهد گذاشت اما اگر این حملات موثر واقع نشود ایران به گورستان اتمی مبدل خواهد شد. گرچه تصور تبدیل شدن کشوری به وسعت یک میلیون و ششصد و چهل هشت هزار کیلو متر مربع با هفتاد میلیون جمعیت به گورستان اتمی در دنیای امروز از مرحله آرزوی دیوانگان فراتر نمی رود اما آقای بنی موریس فراموش کرده است که به رهبران اسرائیل نیز توصیه کند که دست زدن به هر گونه عمل نا بخردانه و انگشت بردن به ماشه سلاح هسته ای پی آمدی جز تبدیل شدن اسرائیل به گورستان اتمی و ذغال شدن مردم بی گناه آن کشور نمی تواند داشته باشد.

آیا براستی زمان آن نرسیده است که اندیشه ورنانی نظیر آقای بنی موریس به جای نوشتن این قبیل مطالب تحریک آمیز و آب ریختن به آسیاب دیوانگان به نصیحت آنان به پردازند و آنان را از اندیشیدن به "گورستان اتمی" بر حذر کنند؟ مطمئن باشید مردم ایران هرگز به فکر مبدل شدن اسرائیل به "گورستان اتمی" نبوده اند و نیستند ولی در مقام دفاع از استقلال و تمامیت ارضی این کشور و پاسداری از حیات ملی خود ساکت نخواهند نشست و دیوانگانی را که در آرزوی تبدیل شدن ایران به گورستان اتمی بسر می برند ناکام خواهند گذاشت.

## صدای انقلاب شما را شنیدم

شاهنشاه: در این مورد واقعا به من خیانت شد

قطبی، سید حسین نصر و تهرانیان نویسندگان این پیام خائنه هستند



دکتر هوشنگ نهاوندی

اعتراف کنم که در این مورد بخصوص، واقعا به من «خیانت» شد، زیرا میتوانم بگویم مرا مجبور کردند از افکار و عقاید واقعی خود منحرف شوم.

ای نکته را هم به شما بگویم که اعلیحضرت رادیو تلویزیون را مسئول اصلی آماده ساختن اذهان مردم در سل های 78 - 1979 می دانستند. بخصوص در مورد ماه های آخرا سال 1978 می گفتند: «مسئولین امنیتی در مورد وجود عوامل مخفی کمونیست در میان مقامات مسئول سازمان رادیو تلویزیون به ما هشدار داده بودند، اما در این زمینه هرگز اقدامات لازم صورت نگرفت. بنابراین شگفتی برانگیز نیست که در این دوران فیلم هایی از تلویزیون به نمایش درآمد که در آن سلطنت به مضحکه گرفته شده بود.»

[هشدار. عبرت. همان عوامل امروز در رادیو و تلویزیون های ایرانی و یا فارسی زبان بیگانه گان که بگونه قارچ می رویند همچنان در ادامه ماموریت شوم خود دست اندرکار تحریف حقایق و رویداد ها، و تخریب تاریخ و روحیه و فرهنگ، و فریب افکار ایرانیان، و تهیج احساسات هموطنان و تحمیل آنچه که «ارباب» فرمان میدهد، هستند. آزریاد]

\* \* \*

### گفتگو با دکتر امیر اصلان افشار

چنانچه در باره چگونگی تهیه و ایراد بشیری: «پیام» نکاتی به خاطر تان می آید بیان کنید. اول به این نکته اشاره کنم که آن دکتر افشار: شب اعلیحضرت هیچ اشاره ای به این که تمایل دارند پیامی برای مردم بفرستند، نکردند فقط فردای آن شب، صبح ساعت 9 که به دفتر کارشان آمدند به من فرمودند به رادیو تلویزیون بگویید دستگاه های خودشان را بیاورند مایلم پیامی برای ملت بفرستم که باید همین امروز ساعت دو بعد از ظهر در آغاز اخبار پخش شود.

طی نوزده سال گذشته خیلی ها از من پرسیده اند این پیام را چه کسی برای اعلیحضرت تهیه کرده است؟ نطق یا پیام را آقای رضا قطبی، پسر دایی اعلیحضرت شهبانو و آقای سید حسین نصر، رییس دفتر شهبانو تهیه کردند. شاید از کسان دیگری هم کمک گرفته اند که من اطلاع ندارم. من فقط میدانم که این دو نفر آقایان نطق را همراه آوردند.

البته تصوری کنم انتخاب این دو نفر از طرف اعلیحضرت شهبانو به اعلیحضرت پیشنهاد شده بود، وگرنه چطور شد که آقای شجاع الدین شفا که متجاوز از سی سال نطق های شاهنشاه را تهیه میکردند مامور تهیه

ترجیح بند دشمنان سوگند خورده ایران و شاهنشاه و عمله ها و معماران فاجعه اسلامی، به هنگام پیشامد ضرورتی و یا حتی زمان غیر لازمی، تکراری توجه به مبتدا و خبر و نارسای گفته «صدای انقلاب شما را شنیدم» است که از بر کرده و به زعم خود به سرکوفت زدن از آن بهره میگیرند.

بر آن شدیم که حقیقت آنچه را که روی داده است به هدف روشن کردن بخشی سربسته از تاریخ فاجعه اسلامی بررسی و آشکار کنیم. زنده نام سیاوش بشیری در راستای این «پیام» طی دو گفتگوی ویژه در نشریه «پرتو ایران» در آبان ماه و بهمن ماه سال 1376 با دکتر امیر اصلان افشار سفیر شاهنشاه آریامهر در اتریش، آمریکا، مکزیک و آلمان که با سمت رییس کل تشریفات سلطنتی تا آخرین دم حیات شاهنشاه وفادارانه در کنارشان بود و همچنین دکتر هوشنگ نهاوندی شخصیت برجسته علمی، بارها وزیر، ریاست دانشگاه های پهلوی و تهران و ریاست دفتر اختصاصی شهبانو که در دوران اقامت شاهنشاه در غربت سه دیدار با شاهنشاه داشته اند، حق مطلب را آنچنان بدرستی و بگونه کامل و رسا بیان کرده است که نیازی بیشتر به تحقیق در این باره نیست.

با یاد سیاوش گرامی و آرزوی دیرزیوی و بهتتی برای دکتر افشار و دکتر نهاوندی، چکیده این دو گفتگو فقط در پیوند با «پیام» را به نظر تان میسرانیم.

### آزریاد

\* \* \*

### گفتگو با دکتر هوشنگ نهاوندی

آیا از اعلیحضرت مثلا درباره آن پیام بشیری: معروف هم پرسشی کردید؟

اعلیحضرت گفتند، شما میدانید که دکتر نهاوندی: اکثر سخنرانی هایم را از «بر» و بدون استفاده از یادداشت ایراد میکردم و بعضی وقت ها که لازم بود از روی نوشته سخنرانی کنم، آن متن را با دقت مطالعه میکردم و اگر لازم بود در آن دست می بردم، اما در آن مورد بخصوص چنان مرا تحت فشار قرار دادند و کار با شتاب و عجله صورت گرفت که حتی فرصت نشد قبلا متن تهیه شده را بخوانم.

به همین دلیل بود که چند بار به هنگام خواندن متن «تپق» زدم. متاسفانه باید

**افزون بر متن:** کار آمدان و صاحبان رای و نظر و بیشترین ایرانیان بر این باورند که پیام مشهوریه «صدای انقلاب شما را شنیدم» نقطه پایان بر آیین شاهنشاهی و گردنفرازی ملت ایران بود. این پیام را شاهنشاه آریامهر روز 15 آبان ماه سال 1357 در پی پخش گزارش جعلی، دستکاری شده و مونتاز چند صحنه و بریدن چند صحنه حمله مسلحانه آشوب طلبان به سربازان در مقابل دانشگاه تهران در روز 13 آبان ماه به سود آخوندان که طی آن بدروغ گفته شد شماری از دانش آموزان و دانشجویان به قتل رسیده اند که حتی یک نفر کشته نشده بود از تلویزیون ملی ایران که ریاست آنرا رضا قطبی پسر دایی اعلیحضرت شهبانو بعهده اش در همان شب که سبب انزجار و خشم عمومی شد و به آتش کشیده شدن تهران در روز بعد یعنی 14 آبان ماه و سقوط دولت جعفر شریف امامی در همان روز و ناگزیری شاهنشاه در برگماشتن دولت نظامی بطور موقت، فرستادند.

با پخش این پیام میهن پرستان و طرفداران شاهنشاه و نظام شاهنشاهی ایران سرخورده و حتی تحقیر شده در حقیقت از صحنه خارج و مخالفین و آخوندان و نیروهای کماندویی فلسطینی پشتیبان خمینی، جری تر شده و جانی گرفتند و به ترور و کشتار مردم پرداختند. خمینی نیز بی درنگ روز 16 آبان ماه هتاک ترو وقیح ترا اعلامیه شدیدالحنی از نوفل لوشاتو صادر کرد و خواهان سقوط نظام شاهنشاهی و شدت بخشیدن به اعتصاب و فلج کشور و بر پا داشتن حکومت جمهوری اسلامی شد.

بدین ترتیب دشمنان سوگند خورده ایران و شاهنشاه که در خانه پادشاه سکنی گزیده بودند و جامه دوست به تن داشتند ناجوانمردانه خنجر در پهلوی ایران و پادشاه و آیین شاهنشاهی نشانند و آریا بوم را به خاک و خون کشیدند و به بیگانه و مزدوران دستار بر سر آنها و اگذار کردند، که شرمشان باد. شاهنشاه از این پیام بعنوان «خیانت» یاد میکنند و نویسندگان این پیام هرگز حاضر به پاسخگویی و دستکم ادای توضیحی بر نیامدند و چون دیگر خائنین همواره روی پوشاندند و با نقاب سیاه خفت و خواری بر چهره پلیدشان در کنجی پنهان شدند و تنها سرشاندند از گماشتگی و پاکاری شومی که بخوبی به انجام رساندند و ملتی را نابود کردند.

## مبارک بادا

**حافظ شب هجران شد بوی خوش وصل آمد  
شادیت مبارک باد ای عاشق شیدایی**

بانگ خوش و گوش آشنای آهنگ سنتی و جاودانه «ای یار مبارک بادا» در تالار بزرگ که مهمانان چشم براه عروس و داماد بودند و از نقاط گوناگون جهان آمده بودند، تنین افکند و خبراز وارد شدن آنها داد. جشن همسرگزینی دو دلداه جوان با حضور خانواده ها و عزیزان و یاران آنها در قلب آلمان برپا بود. عروس هرگز بخت گام نهادن به خاک پدری را نداشت. او می خواست اما، آیین زناشویی اش بی چون و چرا به گونه سرزمین زادگاهش و به ویژه شیوه پیمان بستنش بر پایه رسم دیرینه و جاوید ایران زمین باشد.

«خوان پیوند»، که بر بالای تالار جلوه می فروخت و درونمایه آن به شکل زینده ای بر بنیاد آیین کهن چیده شده بود و قرار گرفتن دیوان خواجه بزرگ شیراز در میان آن فروغی چشم گیر داشت، که عروس و داماد مرید حافظ و دل بسته سروده های دلکش اویند، دیده به راه دو دل به عشق سپرده داشت.



عروس و داماد زمانی بلند به گفتگو با فراخوانندگان گذراندند و به شادی پرداختند که ناگه نوای آهنگی دلنشین برخاست و سکوت تالار را فرا گرفت، داماد که پدر و خویشی دیگر او را همراهی میکردند بسوی خوان رفت و برجایگاه نشست، پس از گاهی عروس در حالی که پدر بزرگ، پدر، عمو و برادر او را مشایعت میکردند به آهستگی در جایگاه خود و در کنار همسر آینده تکیه زد. در جلوی خوان ترمه ای زیبا و گران بها گسترده شده بود که خاک ایران بر روی خود داشت و عروس و داماد دست در دست یکدیگر بر خاک میهن داشتند. آنگاه پیوندگرا با واژگانی زیبا و به پارسی سره به آیین کهن دو دل باخته را به پیمان یکدیگر در آورد و آنها را زن و شوهر خواند.

به «بلدا» و «کیم» شادباش می گویم و برایشان نیکبختی، سرفرازی، بهزیوی و دیرزیوی آرزو میکنیم. پیوندگرایان پیمان فرخنده دکتر مسعود خوشنود بود.

شدید و خستگی فراوان و غصه و بغض و عجله، در تنگنا قرار گرفتند و پیام را بدون تغییر قرائت فرمودند. این نکته را اضافه کنم که بعدها در مراکش اعلیحضرت به من و در مصر به آقای دکتر ناهوندی فرمودند بی جهت در این امر عجله شد.

پس از اینک پیام شاهنشاه در ساعت 2 بعد از ظهر از رادیو تلویزیون پخش شد، در حدود ساعت 3 در دفتر مجاور دفتر اعلیحضرت به اتفاق آقای اصلانی مشغول انجام کارهای معوقه بودیم که اعلیحضرت وارد دفتر شدند و فرمودند الساعه شریف امامی تلفن کرد و گفت پیام بسیار عالی بود حالا شما از سفیر آمریکا بپرسید آیا پیام را شنیده است یا نه؟ و ارزیابی آنها از پیام چیست؟ در حضور اعلیحضرت به سفیر آمریکا تلفن کردم، وقتی پای تلفن حاضر شد به اعلیحضرت عرض کردم: قربان مایل هستید خودتان با سفیر صحبت کنید؟ در جواب فرمودند: «نه! سابقه ندارد که که من با سفیر خارجی با تلفن صحبت کرده باشم، خودتان سؤال کنید.»

از سفیر آمریکا پرسیدم نظر شما و سفارت درباره پیام شاهنشاه چیست؟ در جواب گفت من هنوز پیام را نخوانده ام، مشغول ترجمه هستم، اما می توانم بگویم که آقای لاهیجی [عبدلکریم] به من گفت پیام خوب بود.

البته از آقای لاهیجی انتظار دیگری نمی توان داشت، چون پیام مطابق میل ایشان و جبهه ملی و شرکایشان بود. پیامی که در آن ضعف پادشاه به نمایش در میامد.

### نفر سوم

همچنین «پرتو ایران» بر پایه گفتگوهایی با شخصیت های مختلف نام سومین نفر از نویسندگان پیام را برای نخستین بار فاش کرد. «مجید تهرانیان» از سران کنفدراسیون که اینک در آمریکا بسر می برد.

در این میان شگفت آور اما، عقیده اعلیحضرت رضا شاه دوم است که 28 سال است اصرار دارند به اتحاد با «آنها» که پیامد این نظر فقط معطل ماندن مبارزه است. البته این نگریدین معناست که شهیاران به تنهایی قادر به رهایی میهن نیستند و ناتوانند. از سوی دیگر، دگراندیشان نیز به دلایل و بهانه های گوناگون حاضر به اتحاد با ما نیستند. نگاهی اجمالی به رسانه ها و چگونگی برخورد آنها با شهیاران و اقدامات سی ساله و حتی وابستگی شماری از آنها به جمهوری اسلامی و بیگانگان، گواه درستی سخن ما است.

با ترفند اتحاد، مسئولیت و تکلیف و وظیفه خود را «زیر پا» نگذارید و به مکر و حيله پایان دهید. امروز نوبت دادخواهی است و به یقین فردا نوبت مکافات است.

نماینده

ساعت 11/30 صبح شاهنشاه به من فرمودند: «پس نطق کجاست؟ ببینید چرا تا به حال نیاورده اند. من دست کم یک بار باید قبل از قرائت آن را مرور کنم و ببینم چه نوشته اند.»



دکتر امیر اصلان افشار

از همه جا سؤال کردم، و بعد به عرض رساندم که نطق حاضر است و برده اند حضور اعلیحضرت. اعلیحضرت با تعجب فرمودند: «حضور اعلیحضرت چرا؟ مگر ایشان میخواهند نطق کنند؟ بگویند زود بیاورند.»

کم کم به ساعت 12/30 نزدیک می شدیم. پیام را آوردند، و اعلیحضرت به اتاق مجاور که دفتر کار من بود، آمدند. من پشت میز نشسته بودم به محض ورود اعلیحضرت بلند شدم که جایم را عوض کنم، فرمودند، نه بنشینید. و خودشان جلوی میز بنده نشستند و روبروی ایشان در پایین دفتر، آقایان قطبی و نصر و بیژن اصلانی همکاران در تشریفات و خانم سودابه انصاری - که قرار بود اگر تغییری در پیام داده شود، ن را ماشین کند - حضور داشتند.

اعلیحضرت پیام را گرفتند و تا آخر خواندند و دو باره که با دقت بیشتری پیام را خواندند به آقای رضا قطبی - که مطمئنا خاطرشان است و فراموش نفرموده اند - فرمودند: «آخر من نباید این مطا لب را بگویم» آقای قطبی اظهار داشتند: «خیر اعلیحضرت، اینک موقع آن رسیده که اعلیحضرت خودشان را در ردیف مردم قرار دهند و فرمایشاتی بفرمایند که طبق میل مردم باشد.» آقای دکتر سید حسین نصر هم با سرتاپید میکردند.

به سبب ضیق وقت، سرانجام با ناراحتی

دادخواست

### نه اتحاد، نه فریب، نه ترفند

سی سال از حکومت آخوندان آدمخوار و اسارت خونبار میهن گذشت و همچنان مبارزه رهایی بخش در طی این سال ها لنگ چهارتا تروریست و جاسوس پیرو پاتال اسبق و چند «آبونمان» دائمی تریاک سفارتی و چند بی وطن شرفباخته که عمله های بنای ظلم و ستم آخوند در آب و خاک ما بودند و در کوران کسب قدرت «آردنگی» جانانه ای از آخوند مکار خوردند و به سان دستمال توالست استفاده شده به دور انداخته شدند، که خواهی نخواهی شریک تمامی اعمال غیر انسانی رژیم اسلامی در این سی سال هستند، با شهیاران «اتحاد» کنند تا برای رهایی میهن به جنگ «آخوند» برویم.



## طاعت از دست نیاید گنهی باید کرد

### حفره های جاسوسی جمهوری اسلامی

از: دکتر مسعود خوشنود

**پیشارو:** در آستانه سی امین سال اشغال میهن و سلطه آدمخواران بر نیاخاک، در نظر داشتیم برای روشن شدن زوایای تاریک فاجعه اسلامی و نقش عوامل ایرانی بیگانگان در این رویداد، به نامه معروف «رشیدی مطلق» که روغنی بر آتش نا آرامی ها بود، بپردازیم. اما تقدیم یک لایحه سیاسی و حائز اهمیت از سوی یک ایرانی سرسپرده رژیم، که نماینده مجلس سوند از سوی حزب راستگرای این کشور است، به مجلس سوند، که طی آن خواستار گفتگو و ایجاد روابط بازرگانی با چاشنی حقوق بشر و دموکراسی با کشورهای دارای حکومت «قدرت ورز» شده است، یعنی جمهوری اسلامی، ما را بر آن داشت تا به شناساندن او بپردازیم و چاپ نوشتار «نامه...» را به شماره آینده واگذاریم. نا گفته نماند که از او بیش از ده شکایت به پلیس و چند شکایت و گزارش به سرویس امنیتی و دیگر نهادهای سوند شده است که در دست بررسی است. او نیز شکایتی از «اردوان خوشنود» به دلیل آنکه طی چند مصاحبه با رسانه های فارسی زبان و سوندی او را « بیسواد» خوانده، تسلیم پلیس کرده است. حقیقت آنکه این نماینده پارلمان سوند که فاقد تحصیلات متداول است و شاید دو، سه کلاسی در «ده» خود نزد سپاهی دانش رفته باشد، میتواند با روکردن مدارک تحصیلی خود اردوان را رسوا کند و نیازی به شکایت نبود که بی هیچ دولی اردوان پیروز و او رسواتر و بی ابروتر خواهد شد. مادامی که اپوزیسیون سر در گریبان، اسیر تارهای «طرح های حفاظت» از رژیم اسلامی و سرگرم بازی «اتحاد» و معطل «شاه» مانده است، روزگارمان بهتر از این نخواهد بود. **آزریاد**

داده شد. در تابستان 1991 میلادی در طی نشست سیاسی با حضور دکتر قریشی رییس دفتر سیاسی و دکتر خوانساری مشاور رضا شاه دوم و گروهی از هواداران آیین پادشاهی در شهر "اورهوس" کشور دانمارک، رضا خلیلی معروف به دیلمی را دیدم که او از عملکرد خود بسیار عذر خواهی کرد، اما، بسیار دروغ گفت و افسانه بافت. او خود را فرزند سرلشکر دیلمی و خواهر زاده دکتر مهدی آستانه ای نماینده پیشین مجلس شورای ملی خواند، که تمامی خانواده، او را در 11 سالگی در ایران تنها رها کرده و به امریکا رفته اند؟! و تماسی هم با او ندارند و او خود سالها بعد به مشهد و سپس به پاکستان گریخته و به سوند آمده است و هم اکنون دانشجوی رشته پزشکی دانشگاه لوند است.

رضا خلیلی دروغپرداز و شارلاتان قهاری است، بدرستی او نزد یک به 46 سال پیش در یکی از روستاهای آستانه اشرفیه در کیلان در خانواده ای تنگدست زاده شده و دارای چند خواهر و برادر است. رضا به گفته صریح خودش پس از تحمیل رژیم جمهوری اسلامی غاصب، به " بسیج " پیوسته و بعد از درگیری میان سپاه پاسداران و بسیج از سوی و گروهی از مردم آستانه اشرفیه از سوی دیگر و کشته شدن جوانی و شکایت اولیای دم، دستگیر و به 4 سال زندان محکوم میشود که برای گذراندن دوران محکومیت به زندان "مالک اشتر" لاهیجان منتقل میشود. رضا پیش از دستگیری و زندان که حدود 18 سال داشته با زن تن فروشی که سالها از او بزرگتر بوده است بنام "فاطمه سلطان" ازدواج کرده بود که روشن نیست او را تا کنون طلاق داده است یا خیر؟ خلیلی پس از استخلاص از زندان که معلوم نیست چند وقت به طول کشیده و گفته میشود که احتمالاً در پوشش زندان تعلیماتی به او داده اند، ناگهان به نزد عمویش! به مشهد میروند و سپس سر از پاکستان در می آورد و آنگاه به سوند میاید و خود را سلطنت طلب معرفی میکند و دست به فعالیتهایی میزند و کوشش جدی میکند تا خود را به گروه های طرفدار پادشاهی نزدیک کند.

او در چند نقطه سوند بسر می برد و سپس در مالمو در جنوب این کشور اقامت می کند و از سال 1999 به استکهلم نقل مکان می کند. در طول این مدت او حدود 10 بار ازدواج میکند که دستکم 5 بار آن به ثبت قانونی نرسیده که 3 بار از این 5 بار عقد اسلامی شده و جشن های عروسی بهمراه عکسبرداری و فیلمبرداری و با حضور مهمان های بسیار و هزینه زیاد برپا شده است که همه آنها به جدایی رسیده است. مقصود از عدم ثبت قانونی استفاده از مسکن و گرفتن اعانه و کمکهای

کمک سازمان ملل و بعنوان پناهنده سیاس حدود 22 سال پیش از پاکستان به سوند آمده و پس از بیش از 13 سال با یاری وکیل خصوصی موفق به اخذ تابعیت سوند شده است که آگاهان معتقدند بدلیل خلافتکاری های خلیلی، تابعیت او بدرازا کشیده است چرا که یک پناهنده سیاسی 3 ساله و پناهنده غیر سیاسی و مهاجر 5 ساله تابعیت سوند را دریافت میکنند نیازی هم به وکیل و دادگاه نیست. نخستین بار نام او را از روانشاد رامبد ریاست وقت دفتر سیاسی رضا شاه دوم شنیدم که از من خواستند در مورد چند تن که بنام دبیرخانه شهرداری ایران از پناهجویان اخاذی کرده و تا بیدیه جعلی میدهند تحقیق و نتیجه را به آگاهی ایشان برسانم، چرا که شکایات بسیاری از پناهجویان به دبیرخانه شهرداری ایران رسیده بود.



نفر وسط رضا خلیلی است

رضا خلیلی و دوست نزدیک او - آن دوست به جرم حمل مواد مخدر از ایران به سوند، ده سال محکوم و هم اینک دوران زندان خود را می گذراند - در سوند به اخاذی از پناهجویان ایرانی پرداخته بودند که به آنها هشدار لازم

میگویند، گودال سپاهی در منظومه شمسی است که تمام نیروهای گرداگردش را فرو میبرد. سراسر تاریخ پُر فرود و فراز ما انباشته از این گودال های سپاه بوده است که همه توان میهن پرستان و نیک اندیشان را بلعیده اند و راه خیانت و جنایت و خیر چینی را بر علیه میهن و هموطنان خود با وقاحت تمام پیش گرفته اند و به مظلوم نمایی پرداخته اند با این اندیشه باطل که همه را فریب داده ایم.

در خبر است باز باصطلاح هموطنی دیگر در سوند که تا چندی پیش مدعی مبارزه برای رهایی ایران زمین و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی غاصب بود و بر علیه اسلام می ستیزید، تو زرد از آب درآمده است و با عنوان دهان پُر کن ریاست اتاق بازرگانی اسکاندیناوی و ایران پی در پی به ام القرای اسلامی برای پا بوسی میروند و تلاش بسیار برای تشویق ایرانیان و اروپاییان برای سرمایه گذاری و داد و ستد با جمهوری اسلامی دارد. اعتراض ها و افشاگری های بسیار بر علیه این پادوی رژیم جمهوری اسلامی غاصب و مبارز!؟ سابق و زندانی سیاسی!؟ اسبق از سوی شخصیتها، گروه ها و رسانه های ایرانی شده است و او با وقاحت بسیار، موارد را تأیید و از یک جوان مبارز و میهن پرست به پلیس سوند شکایت برده است. ما را با ایران فروشان زمان درازی است که کاری نیست، اما وقاحت و بیشرمی او ناگزیر ساخت تا نکاتی چند مطرح شود.

نام او رضا خلیلی است که خود را رضا دیلمی میخواند و به همین نام معروف است و در اوراق انتخاباتی سوند نیز به شیوه آخوندی نام خود را دیلمی نوشته است. بگفته خودش به

بازرگانی و غاصب برای بر پا کردن اتاقهای بازرگانی و شرکتی مخفی و ایجاد شبکه های تروریستی و لابی در ممالک مختلف جهان ناشی از هراسی است که از تحریم اقتصادی و سیاسی و نظامی سازمان ملل متحد و کشورهای دنیا دارد.

بر اساس یک چشم بندی سیاسی - امنیتی، خلیلی، امروز بعنوان جانشین نماینده مجلس سوئد وظايف يك نماينده مجلس را انجام میدهد. از او تا به حال چند شکایت بر پایه خلاف های اشاره شده در این نوشتار به پلیس سوئد تسلیم شده است و در این رابطه چند نشریه معروف و بزرگ سوئدی مطالبی را منتشر کرده اند. از جمله این شکایات، خلاف و عملی است که او بر علیه صندوق بیکاری انجام داده است که پس از اطلاع از این شکایت به از بین بردن مدارک پرداخته و در این رابطه تارنمای اینترنتی یک انجمن سومالیایی که نشانگر اسنادی بود برای مدتی تعطیل و پس از نابودی اسناد دو باره بازگشایی شد، غافل از آنکه مدارک کپی برداری و ثبت شده بود.

رضا خلیلی مدعی است که فقط یک بار به سفارت اشغالی جمهوری اسلامی رفته است اما، شواهد دال بر این است که او نزدیکی خاصی با سفیر رژیم آخوندی دارد و جالب آنکه سفیر سوئد در ایران به سوئدی هایی که در مورد خلیلی از او استفسار کرده اند هشدار داده و گفته است در اتاق بازرگانی همه نوع عملی انجام میگیرد جز کار بازرگانی.

از سوی شخصیت ها و سازمانهای مختلف، هشدار و اطلاعات لازم در مورد فعالیت های مخرب و ضد قانونی رضا خلیلی معروف به دیلمی در اختیار مقامات سیاسی و اطلاعاتی و انتظامی و قضایی کشور سوئد که دارای تابعیت این کشور و محل اقامت دائم او است، قرار گرفته که تحت بررسی است و چند نشریه معتبر سوئد نیز با موشکافی خلاف های او را دنبال میکنند.

### هلو آمریکا...



به گورآقام قسم، من روزانه پنج بار به سوی واشینگتن نماز می خوانم چون کعبه من است، کاخ سفید!

سفرهای پی در پی رضا به جمهوری اسلامی و فروش کپی دعوتنامه های سوئدی به هموطنان داخل کشور، استفاده از عنوان دانشگاهی مهندس - روزنامه همشهری چاپ تهران، جعل سرنسخه های شرکت ولو، گرفتن پول برای ورود افراد به اروپا بطور غیر قانونی، استفاده و حمل و نقل مواد و مواردی از این دست، سبب بی آبرویی وی گشت و رژیم دست بکار شیوه ای دیگر شد.



خلیلی که در سال 2004، 96069 کرون درآمد داشته و از این مبلغ نیز 19007 کرون مالیات پرداخته و برای پرداخت اجاره خانه و دیگر مایحتاج زندگی از اعانه های دولتی استفاده می کرد و بدهی های خود را نپرداخته و در اداره اجرای ثبت پرونده داشته که ماهانه 1500 کرون بپردازد و هرگز عوارض تلویزیون نپرداخته است، ناگهان به عنوان رییس اتاق بازرگانی اسکاندیناوی و ایران معرفی و دفتری را با هزینه سنگین اجاره و چند کارمند در اختیار میگیرد و سفرهای بسیار به گوشه و کنار آغاز میکند.

هدف نخست تشویق ایرانیان برای بازگشت به میهن و در نتیجه نابودی اپوزیسیون و اهداف بعدی سرمایه گذاری ایرانیان در داخل کشور، برانگیختن دانش آموختگان ایرانی خارج برای کار در ایران، سرمایه گذاری شرکت های خارجی در ایران، انتقال تکنولوژی، ارتباط با سازمانها و شخصیت های خارجی، تهیه وسایل سرکوب مردم، تبلیغ برای رژیم تروریستی، تهیه وسائل پیشگیری از رسیدن اطلاعات به مردم همچون وسائل ویژه پارازیت بر روی امواج رادیو و تلویزیون های ماهواره ای و فیلترینگ اینترنت، برپا کردن تورهای مسافرتی مجانی و یا بسیار ارزان برای دانش آموزان و دانشجویان و تشکلهایی از این دست به ایران، تهیه و حمل لوازم مربوط به ساخت بمب اتمی جمهوری اسلامی و ده ها طرح و برنامه پنهان دیگر. مانند تلاش بسیار برای ایجاد خط هوایی مستقیم از تهران به وستروس - شهری در نزدیک استکهلم - و از وستروس به موگادیشو پایتخت سومالی، برای انتقال تروریست ها.

علاقه وافر و نیاز جدی جمهوری اسلامی غاصب برای بر پا کردن اتاقهای

مادی دولتی بوده است و جالب اینکه اتوموبیل های همسران ثبت نشده در زمان زندگی با او به سرقت رفته اند که البته بیمه خسارت های وارده را پرداخته است و همچنین خسارت سرقت انبار و غیره. چند ازدواج دیگر او نیز که ثبت قانونی سوئد شد سرانجامی نداشت و حتی مدتی او دارای دو همسر قانونی بود که البته در سوئد مجازات دارد، عاقبت او در سفری به جمهوری اسلامی با دختر جوانی از بستگان نزدیکش که دستکم 16 سال از او کوچکتر بود ازدواج کرد که گفته میشود پدرش از ملایان جمهوری اسلامی است.

رضا دارای مدرک و تحصیل سوئدی نیست و به سبب بی سوادی دارای کار ثابتی نبود و مدتها در یک بلوک آپارتمانی به خالی کردن اشغال و تمیز کردن پله ها مشغول بود و میگویند که بعدها در پی آشنایی با صاحب بلوکهای آپارتمانی نقش دلال ارباب را بعهده گرفت و از متقاضیان اجاره مسکن در این بلوک ها به دریا فت رشوه می پرداخت. در مالمو شایع است که او به خرید گذرنامه غیر قانونی نیز اشتغال داشته است و برنا مه گزار کنسرت ها بوده و گواهی می دهند که دستمزد بعضی از خوانندگان را هم نداده است.

خلیلی، سعی وافر داشت که به درون اپوزیسیون ایرانی رخنه کرده و به کسب خبر بپردازد و از فعالیتها و اسرار آنها مطلع شود که شاید تا حدودی هم به زعم خود موفق شده باشد! اما مبارزین هم که پی به چهره حقیقی او برده و از ارتباط او آگاه بودند اطلاعات نا درست میدادند تا رژیم تروریستی اسلامی را سر در گم کرده و رابط ها را شناسایی و مقامات امنیتی سوئد و اروپا را مطلع کنند.

در پی افشا شدن خلیلی، رژیم اسلامی غاصب شیوه دیگری بکار گرفت که تا حدودی نیز برای ضربه زدن به اپوزیسیون خارج کشور موفقیت آمیز بود. تبلیغات عجیبی در قهرمان سازی از رضا به راه افتاد و او را بعنوان مبارز راستین شناخته گری کردند و او با چند رادیو معلوم الحال گفتگو کرد و ناگهان او با سر و صدا اعلام کرد که برای دیدن خانواده رهسپار جمهوری اسلامی است که این سفر انجام شد و پس از بازگشت به سوئد به فعالیت سیاسی؟! ادامه داد و دست به تلاش های گسترده ای زد و در حزب دست راستی سوئد فعال شد و ایرانیان را تشویق به سفر به ایران کرد و با خانواده یکی از مبارزین تماس برقرار کرده و آنها را ترغیب به دیدار از ایران کند و ضمن ارائه شماره تلفن مستقیم سفیر وقت رژیم به آنها گفت سفیر پیغام داده که تمامی هزینه رفت و آمد و اقامت و هدیه ها و صدور گذرنامه را تقبل میکنند که با مخالفت این خانواده ایران پرست مواجه شد که البته بعد پدر و مادر و برادر این خانواده در ایران دستگیر شدند.

## نقش غرب در فاجعه 1357 ایران

از: اشکان خوشنود

**اشاره:** پایان نامه زبان فارسی اشکان خوشنود نوجوانی که در برون از آریا بوم زاده شده و هرگز بخت دیدار میهن خود را نداشته است در بر گیرنده نکته ها و آگاهی هایی بود که دریغ مان آمد که به دست انتشار سپرده نشود.

این پژوهش نشاندهنده مهر و دل بستگی ژرف نسل امروز به ایران، آیین پادشاهی و انزجار از حکومت خون و بیداد است. با سیاست میهن پرستانه از اشکان گرامی که پروانه انتشار این نوشتار را به ما ارزانی داشت. **آزپاد**

## «پادشاه و خمینی»

خمینی

روح الله مصطفوی معروف به «خمینی» در دوم نوامبر سال 1902 در خمین متولد شد. او از یک خانواده مذهبی بود و پدر و پدر بزرگش از سیک های هندی بودند که به دستور انگلیسها که حاکم بر هند بودند به ایران مهاجرت کرده بودند.

اوتامای زندگیش در مسایل اسلامی خلاصه شده بود و بعد ها تبدیل به یکی از سردمداران مذهب «شیعه» شد. چشمان سرد و بی رحم او بیانگر شیوه رهبری و زندگی او بود، برای میلیونها تن مخالفینش او تروریستی بیش نبود که موجب کشتار میلیونها انسان شد اما، در میان هوادارانش او مردی مقدس بشمار میرفت. در دهه 1960 که شاه انقلاب سپید را با پشتیبانی و تصویب مردم آغاز کرد، خمینی واسلامیستهایی از نوع اوتحمل مدرنیزه کردن کشور را نداشتند و سر به مخالفت و شورش گذاشتند. آخوند خمینی را که تا آن زمان کسی نمیشناخت، معتقد بود که مدرنیزم و آزادی زنان و اصلاحات ارضی موجب نابودی اسلام خواهد شد. خمینی خود فنودال بود و مخالفت او بیشتر بدلیل تقسیم املاک و روستاهای خود او و همسرش بود. در سال 1342 و پس از یک شورش خونین در تهران و قم و بعضی از شهرهای کشور، دستگیر و نخست به ترکیه و سپس به نجف در عراق تبعید شد. خمینی به مخالفتش با شاه ادامه داد و اقدام به ایجاد تشکیلاتی مخفی در داخل کشور کرد.

در اکتبر 1978 با بالاگرفتن نا آرامیها در ایران او به فرانسه برده شد و پناهندگی سیاسی از فرانسه گرفت و با کمک رسانه ها و سازمان های غربی به مخالفت آشکار با شاه پرداخت در فوریه 1979 ترسایی پس از عزیمت پادشاه، به ایران برگشت و پس از کشتار بسیاری از میهن پرستان و مقامات کشور، رژیم جمهوری اسلامی را بنا کرد.

خمینی میگفت: «شاه مخالف اسلام است و قول داد که آب و برق و اتوبوس را مجانی کند و به همه خانه دهد» که همه دروغ بود و به قصد فریب مردم. او ایران را در گیر جنگی خونین با عراق کرد و دیکتاتوری مذهبی وحشتناکی را به مردم تحمیل کرد و ایران را به درون دوران تاریکی و سیاهی راند. در ماه جون 1989 خمینی مرد و آخوندی دیگر از شاگردان او به نام «علی حسینی خامنه ای» رهبری جمهوری اسلامی را به عهده گرفت و راه او را همچنان ادامه داد.

## «انقلاب»

سال 1977 میلادی وضعیت آرام و با ثبات ایران کم کم به سوی بی ثباتی و نا آرامی پیش رفت و سازمان امنیتی کشور متوجه تغییراتی در نوع اقدامات و افزایش فعالیتهای مخالفین بویژه اسلامیست ها در داخل و خارج از کشور شد و به مقامات مسئول مملکتی هشدار داد. خمینی هم ناگهان فعال شد و آشکارا به فعالیت پرداخت و گفت شاه ضد اسلام و خدا و وابسته به آمریکا است و باید او و نظام پادشاهی از بین برود.

اسلامیست ها و دیگر گروه های مخالف با عقاید سیاسی گوناگون، که به طرز عجیبی کنار هم قرار گرفته بودند در تابستان 1977 کم کم و در شمار اندک به کاباره ها، دیسکوتک ها، مشروب فروشی ها، بوتیک ها و سپس به سینما ها، بانک ها، ساختمان های ملی و دولتی حمله کردند و بعضی از آنها را به آتش کشیدند و دست به تظاهرات زدند.

مصطفی خمینی پسر خمینی نیز بطرز مرموز و مشکوکی در اواخر سال 1977 در شهر نجف در عراق میمیرد و بلافاصله شایع میشود که «ساواک» بدستور «شاه» او را کشته است. امروز پس از 28 سال هنوز پرونده یا سندی در این رابطه بدست نیامده است. این شایعات و دیگر اتهامات بر علیه شخص «شاه» و «ساواک» سبب تحریک و افزایش آشوب شد. در ژانویه 1978 میلادی نوشتاری در باره خمینی و اصل هندی او در روزنامه اطلاعات به چاپ رسید - نام مستعار نویسنده احمد رشیدی مطلق بود که در حقیقت داریوش همایون نویسنده آن بود که سرسپرده صهیونیست ها و مزدور قدیمی حزب دموکرات آمریکا ست - این مقاله سبب تحریک و تظاهرات و حمله اسلامیست ها بویژه در شهر «قم» شد. بعد از 19 اگوست 1978 - آتش زدن سینما رکس آبادان توسط تندروان اسلامی که بیش از 400 تن در آن سوختند - تظاهرات و آشوبها اوج گرفت و گناه این اقدام باز متوجه ساواک شد که پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی آشکار شد که حسین تکبعلی زاده و همدمستان او که از فداییان اسلام بوده اند به فتوای خمینی سینما را به آتش کشیده اند.

ادامه در شماره آینده...

غرش پهلوانان  
تک تنیده به خون تپیده

شادروان والاگهر ناخدا شهریار شفیق  
ترور: 16 آذر 1358 - پاریس

## دلداری

خانواده ارجمند پالیزبان  
سرکاربانو سیمین پالیزبان

سپهبد سرفراز ارتش شاهنشاهی ایران، تیمسار سپهبد پالیزبان به دوران میهن به جان بسته اش گردنفرزانه و استوار به ابدیت تاریخ ایران پیوست و میهن پرستان را به سوک نشانند.

ایران سربازی دلیر و پیماندار و شما پدری دلسوز و مهربان از دست دادید. در این اندوه بزرگ با شما انبازیم.

ناهید و دکتر مسعود خوشنود

## دلداری

خانواده گرانقدر ذوالفقاری  
سرکار بانو مرسته ذوالفقاری

پرواز جاودانه عاشق راستین ایران هدایت ذوالفقاری از بلند پایگان وزارت امور خارجه و آجودان کشوری شاهنشاه ما را نیز اندوهناک کرد.

ایران هرگز رشادت ها و فداکاری های خانواده ذوالفقاری را در راه نجات آذربایجان از یاد نخواهد برد.

ناهید و دکتر مسعود خوشنود

برای مزید اطلاع

## حکم قران: خمینی مسلمان نیست



لب تولى،  
دست تو دست،  
با بیگانه

پرویز شهنواز برای پژوهش در راستای این باور که فاجعه اسلامی، ساخته و طرح بیگانگان بوده تلاش بسیار کرد تا با سران چهار کشور بزرگ غرب مصاحبه کند که تنها موفق شد با ژیسکار دستن در سال 1377 گفتگو کند. شهنواز هشت پرسش مطرح کرد که چهار پرسش آن درباره ایران بود. دومین پرسش ایشان در باره سفر خمینی به فرانسه بود. ژیسکار دستن پاسخ داد: «خمینی دربدو ورود به

پاریس از ما خواست که به او پناهندگی سیاسی بدهیم که در مدت اقامتش در فرانسه تامین باشد.»

گواهی رییس جمهوری پیشین فرانسه بسیار واجد اهمیت و بی نظیر است زیرا پناهندگی خمینی و درخواست تامین از فرانسه را تایید و اثبات میکند و بنابراین به نص صریح و آشکار آیات قران، که تقاضای پناهندگی از کفارخروج از اسلام است، خمینی آگاهانه و بخواست خود از اسلام خارج - اگر پیش از این واقعا مسلمان بوده باشد - و حکم خداوند و قران را زیرپا نهاده است. نوشتار دکتر امیرفیض در نشریه «سنگر» شماره 281 + 332 به تاریخ 15 بهمن ماه 1377 از درونمایه آگاهانه و بایسته ای در این باره برخوردار است که با هم میخوانیم.

«به حکم آیات مکرر قران، یک مسلمان نمی تواند با کفاردوستی کند تا چه رسد که درخواست پناهندگی نماید. از جمله آیه اول سوره الممتحنه و آیه 62 سوره مائده. در این آیات مسلمانان صراحتا از دوستی با کفار (نصاری و یهود صاحب کتاب) منع شده اند. در آیه 23 سوره توبه حتی یک فرد مسلمان از دوستی با پدر و مادرش اگر غیر مسلمان باشند هم منع شده است در حدی که آن مسلمان ظالم شناخته شده است. (مقصود ظلم به خدا است) در آیه 56 سوره مائده آمده است: ای کسانی که ایمان آورده اید مگیرید یهود و

پس بدرستی که از آنهاست. (یعنی کافر است، از سلام خارج شده و به نصاری و یهود پیوسته است).

در آیات مکرر قران بر مسلمانان تکلیف شده است که با کفار بجنگند (کفار = پیروان صاحب کتاب و یا بی کتاب). حکم یک مسلمانی که بجای جنگ به کشور کافر پناهنده شود چیزی جز ارتداد و خروج از اسلام نیست، مستند این قول آیات 51 و 52 سوره مائده است که میگوید: " کسی که طبق قانون خدا - قران - عمل نکند از تابعیت اسلام خارج و در گروه کافران است. "

مرتضی مطهری در ده گفتار خود فصل مشروعی به تفسیر این آیات اختصاص داده و نوشته است که اسلام نمی پسندد که یک مسلمان زیر دست کافر باشد و کافران براو سیطره داشته باشند. او اضافه کرده است که اسلام نمی پسندد که مسلمانان همین که بیماری سختی پیدا کردند و خودشان طبیب و وسایل کافی نداشته باشند، بیمارشان را بدوش بکشند و به سوی ملت های غیرمسلمان بروند. (یعنی برای درمان به کفار پناه ببرند).

یک فرد مسلمان باید مکتی به حمایت خدا باشد نه کفار، به خدا پناه ببرد نه کفار، پناه ببر بر خدا از شر مردم بد. آیات 100 سوره نحل و 1 سوره الفلق و 1 سوره الناس. آیه 199 سوره اعراف صریح است به اینکه " اگر از جای در آورد تو را شیطان، پس پناه ببر به خدا (نه به فرانسه).

بنا بر حکم قران اگر یک مسلمان به کافر پناه ببرد، حکم خدا را زیر پا گذاشته است تا چه رسد که این فرد، خودش را رهبر مسلمانان بداند.

نه درخواست کتبی بلکه همان درخواست شفاهی و حتی فکر پناهندگی خمینی به حکومت فرانسه او را از اسلام خارج ساخته است و او را تبدیل به یک دشمن خدا و اسلام کرده است.

درخواست پناهندگی از طرف خمینی میرساند که او هیچ پایبندی به اسلام نداشته است و هر قدر اسلام اسلام میگفته همه دروغ و دغل بوده است.

آیا عمل خمینی را میتوان از باب تقیه گفت؟ مسلما خیر چرا که، اولاً خمینی در رساله اش تقیه را محکوم کرده است و ثانیاً تقیه در موردی است که راه دیگری برای تقیه کننده باقی نباشد. خمینی میتوانست به یک کشور مسلمان برود، در عراق بماند و اصلا میتوانست به ایران بیاید. مخالفت با یک پادشاه مسلمان - شاهنشاه ایران - مهمتر بود یا زیر پا گذاشتن قران و از اسلام خارج شدن و در زمره کفار در آمدن؟؟ «.

دوستدار شما قنندر

## اتیرانی دیگری مرد

اسدالله مروتی صاحب رادیو صدای ایران در لوس آنجلس مرد. او برکشیده ارتشبد خاتمی بود و بیاری او به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. دارای یخ چال سنتی برای تهیه و فروش یخ و مزرعه کشت خشخاش در نهاوند بود و از دانش متعارف زمان هم بی بهره.

او وقیحانه خود را بنیانگذار رادیو صدای ایران می خواند در صورتیکه دکتر حسین حقیقی موسس این رادیو بود و زیر فشار شدید مالی ناگزیر سهام خود را به او واگذار کرد.

مروتی که خود را هوادار نظام پادشاهی می نامید با استخدام چند دشمن ایران و پادشاهی و بکارگیری ترنفندهای بسیار، رادیو را در اختیار انیرانان قرارداد و بنام آزادی بیان هر چه توان داشت در خدمت استعمار و دشمن نهاد و کوشید با ایجاد مزاحمت رادیو های دیگر را به هر شکل ممکن به تعطیل بکشاند که از جمله رادیو تهران متعلق به سعید قائم مقامی بود که بدلیل اعتیاد و فقر تعطیل شد.

همواره عنان میکروفون این رادیو به هر بهانه ای در اختیار عمله های فاجعه اسلامی بود تا خیانت های خود را توجیه کنند و به فریب افکار عمومی بپردازند. مروتی در رادیوی خود به تبلیغات بسیار برای «کنت تبیرمن» چهره مشکوک امریکایی دست یازید و بیدرنگ پس از صدور بیانیه مشترک رضا شاه دوم با منوچهر گنجی- که خشم بسیاری از ایرانیان را برانگیخت- بگونه ای آشکار از آن دفاع کرد و سال ها تلاش کرد تا تمثال های شاهان پهلوی به مراسم مختلف آورده نشود و بارها از پخش آگهیهای آیین های ملی خودداری کرد.

مروتی همراه همایون، اکمل، کلهر و ژاله عبدالله زاده به پیشگاه رضاشاه دوم رفتند و تلاش بسیار کردند تا ایشان بعنوان یک شهروند ساده در نشست کمیته شخصی سناتور دوماو شرکت کند و علیه مردمش شهادت دهد. سرهنگ اوپسی بشدت به نزاع لفظی با مروتی پرداخت و او اوپسی را تهدید کرد که بوسیله رایو او را بی آبرو خواهد کرد. بیدرنگ علیرضا میبیدی به پخش شایعه پرداخت و رضا شاه دوم را زیر سوال برد.

گفتگوی چهارساعته «صبحانه با رضا پهلوی»، که طی آن رضا شاه دوم اعلام آمادگی برای ریاست جمهور کرد، شام با شاه، دفاع از خاتمی، گفتگو با علی پاتریک پهلوی برای معرفی اسلام جدید و توهین به شاهنشاه، دعوت از ایرانیان برای شرکت در انتخابات ج.ا و رایزنی حزب مشروطه مختصری از خیانت های او به ایران است. چند سال پیش همسر و فرزند او به ایران رفتند و اموال از کف داده را پس گرفتند از جمله خانه سه طبقه با استخر واقع در ونک. آزریاد

مته به خشخاش

شهیارم، شهیار

مته چی بخت برگشته از همان اول کار، ببخشید نخست، باید عارض حضور سروران عزیزمیشد که از آن دسته آدم های «چخ بختیار» نیست و سخت عاشق وطن و هموطنانش میباشد و سی سال آزرگار است که با رژیم آدمخواران و اجنبی های اربابشان مشغول زد و خورد است و افتخار دارد، باز ببخشید بخود میبالد، که یک سلطنت طلب، دوباره ببخشید شهیار، امان از امر سردبیر، می باشد. در هر دیدار و برنامه ای نیز همیشه خود را سلطنت طلب معرفی میکند آن هم از نوع دو آتسه، بگوری دشمنان «آریا بوم»، سردبیر خوششان آمد.

وقتی قرار شد در نشریه «آزریاد»، بی جیره و موجب مطا لبی قلمی کنم، آقای دکتر، مقصود حضرت سردبیری است، به روال گذشته، 33 سال پیش، با اعتقاد به آزادی قلم و بیان و اندیشه اجازه فرمودندی که هر چه دل تنگ مته چی می خواهد در هر زمینه قلمی فرماید و ترسی از سانسور نداشته باشد و البته دچار خود سانسوری هم نشود. اما ایشان باز به عادت دیرین، مستبدانه توجیه فرمودند که

نوشته ها تا حد امکان سرشار از واژگان زیبا و روان «پارسی» باشند تا بجای لغات عربی مستعمل، واژه های سره پارسی جا بیفتند و واژه های تازی از زبان شیرین ما زدوده شوند. بسیار فرمایش بجا و درستی بود و بنیوا مته چی که بیش از 45 سال آن چنانی قلم زده بود و بناچار باید امروز این چنانی بنویسد! چند روز پیش که در یک نشست فرهنگی بعنوان سخنران شرکت کرده بودم در پایان برنامه با چند تن از حاضرین گفتگویی دست داد و از باور سیاسی من جويا شدند که ناگهان بیاد چهره خشمگین سردبیر ارجمند افتادم و بی اختیار گفتم من شهیار (= سلطنت طلب) هستم. آثار شگفتی در سیمای آنها آشکار شد و درباره واژه شهیار پرسیدند؟ دردم یکی از آنها گفت: «یعنی سلطنت طلبانی که معتقد به دیکتاتوری شاه باشند». به آرامی توضیح دادم که نه، این یک تعریف و تصور نادرستی است شما نمیتوانید شهیاری بیابید که به دیکتاتوری شاه و هر شخص و گروه و آیینی، باور داشته باشد پرسیدند پس واژه مشروطه خواه و عنوان پادشاهی پارلمانی چیست؟ کم کم از این همه سادگی هموطنانی که حتا در نشست های فرهنگی و سیاسی هم مشارکت دارند ولی تا این اندازه نا آگاه هستند آزرده میشدم. باز با نرمی

پاسخ دادم اگر با موشکافی و ژرف بینی به ترغیب ها و طرح های حفاظتی بیگانگان از جمهوری اسلامی نگاه کنید به آسانی درمی یابید که آنها همواره در اندیشه ضربه زدن و متلاشی کردن «شهیاران» به روش های گونا گون هستند زیرا که بزرگترین و بیشترین دلواپسی و پریشانی را از آنان دارند که شمارشان به گستردگی ایران است. شرف باختگانی چون داریوش همایون خسرو اکمل، اسدالله مروتی، شاهین فاطمی، اسدالله نصر اصفهانی و امثال آنها در تلاشی خائنانه می خواهند نخست این واژه ها و گزاره ها را جا بیندازند و سپس به از هم جدایی شهیاران بپردازند و سرانجام ایران را پاره پاره کنند و در مقام پاسخگویی هم، خود را مامور اجنبی و معذور بخوانند. زرنگی را ببینید با چهارتا واژه می خواهند عوام فریبی کنند، پشتیبان حکومت خون و کشتار باشند و میهن پرستان را بتاراندند تا لقمه نانی خونین از ارباب بستانند و دمی تکان دهند.

(حضرت سردبیر، بفرموده، کلی واژه پارسی بکار گرفتم، تمثال شاهنشاه را که قول فرموده بودید، فراموش نفرمایید).

با سپاس مته چی

25 آذر، روز مادر، به همه مادران ایران زمین فرخنده باد

روایت

پند ارستو

هنگامی که اسکندر بر ایران چیره شد نامه ای به آموزگارش "ارستو" نوشت که: بر سرزمینی پهناور، ثروتمند، آباد و با مردمانی متمدن، آزاده، سازنده و سلحشور دست یافته ام ولی قادر نیستم برای زمانی بلند استیلاي خود را حفظ کنم و بر آنان فرمانروایی کنم. راه چاره ای بیندیش و مرا از اندیشه های فیلسوفانه خود بهره مند ساز.

ارستو پاسخ داد: «افرادی فرومایه، پست، درنده خو و فاقد شرف و آبرو بر آنها حاکم کن و فقر و بی چیزی مردم را فراهم نما تا آن افراد در طلب جاه و مقامی که برخلاف شایستگی و دانش خود بدست آورده اند در نوکری و فرمانبرداری تو صمیمی باشند و ملت گرسنه هم جز در تلاش معاش درصدد اندیشه و اقدام دیگری بر نیاید.»

راوی

هوای تازه



اگر چه همچنان نسل اول و دوم را به بازی «شاه و وزیر» و «اتحاد» مشغول کرده اند ولی، نسل سوم همچون «کیا» برای رهایی میهن و برپایی آیین شاهنشاهی، هوشیار و بی هیچ چشمداشتی، قد خواهند برافراشت و بی تردید پیروز نیز خواهند شد.

نوش خند

جواب ابلهان

از احمدی نژاد، باصلاح رییس جمهوری اسلامی پرسیدند جدا از این همه گرانی و ستم و گرسنگی و آسیب های اجتماعی و کمبود آب و سوخت و صدها مشکل دیگر، پاسخت در باره خاموشی همه روزه و طولانی برق، به آنهایی که بتو رای دادند چیست؟

احمدی نژاد پاسخ داد: بسم... جواب ابلهان خاموشی است.



سبک سنگین

- میگن آخوند کاظمی بروجردی هم از زندان فرار کرد.

- چه جوری فرار کرد؟

- نمیدونم، ولی براش نگرانم.

- نگران مباش، چند روز دیگر سرو کله او هم درواشینگن و در تلویزیون صدای آمریکا پیداش میشه که داره از شاه بد میگه!

## بزرگداشت شاهان پهلوی



بیست و هشتمین سالگشت جاودانه شدن شاهنشاه آریامهر و جاودانگی رضا شاه بزرگ امسال هم با شکوه بسیار در سراسر جهان حتی در ایران بگونه خصوصی و عمومی و آشکار و پنهان برگزار گردید.

آیین ارج گزاری شاهان پهلوی درپاریس از زیباترین آیین ها بود که به ابتکار و ازسوی سازمان «یادگار شاهنشاهان» در گورستان «پسی» در کنار آرامگاه شاهدخت «لیلا پهلوی» برگزار گردید. این سازمان در فراخوان خود از شخصیت هایی که نتوانسته بودند در آیین قاهره حضور بهم رسانند، خواسته بود که انباز آیین پاریس باشند. تلاش های دکتر شاپور ایرانشاهی (صادق زاده) بنیانگذار و دبیرکل یادگار شاهنشاهان، خانواده و همزمان او ستودنی است.

### خصوصی سازی

روزی که خردمندان می گفتند آخوند دزد حتی خاک و ب و هوای ایران را نیز به یغما خواهد برد، عده ای شوخی تلقی میکردند. امروز شریعتمداران تهران با تشکیل یک سازمان عریض و طویل بنام «سازمان خصوصی سازی کشور»، داشت و بود کشور را به حراج گذاشته و به ثمن بخش می فروشند. آخوند دزد نخست اموال مصادره ای را بالا کشید و سپس همه دارای های دولتی را فروخت و اکنون هم مشغول زدن چوب حراج به داشته ها و دارایی های «ملی» کشور است.

### وقاحت سفیر سابق

رضا قاسمی آخرین سفیر شاهنشاهی در کویت، مرتکب نوشتاری دنباله دار زیر عنوان ظهور و سقوط یک دیکتاتور در هفته نامه لندن نیمریز میشود که طی آن به دوستی صمیمانه خود با سرهنگ دوم اخراجی احمد مدنی معروف به احمد جان برکف، در برگ 12 شماره 986 جمعه 7 تیر 1387 اشاره کرده که: «تلفنی از دریا دار مدنی دوست دیرینم که خاطرات خوبی از گذشته های دور با او داشتم گلایه کردم...» و «در همان مکالمه تلفنی بود که روانشاد مدنی مرا برای بار دوم از عزیمت به ایران منصرف نمود و هشدار داد که اوضاع به گونه ای نیست که ظالم از مظلوم و خائن از خادم باز شناخته شود...»

سفیر مظلوم و خادم؟! در هنگامه ای که همه با هزاران دشواری و به خطر انداختن جان وهستی خود از ایران می گریختند، در تلاش

برای بازگشت به کشور و دریافت مزد خدمت بوده است. حالا بفرمایید اطلاعات سری نظام پادشاهی چگونه در اختیار آخوندان و بیگانگان قرار می گرفته است. قاسمی در لندن به شغل آخوندی کفن و دفن و جاری کردن صیغه عقد اسلامی روزگار می گذراند.

### کلید حل مشکلات

کتاب «صلوات، کلید حل مشکلات» تالیف شیخ علی خمسه ای قزوینی مشهور به حکیم هندی به رکورد تازه ای دست یافته و چاپ 82 آن نایاب و بزودی چاپ 83 آن به زیور طبع آراسته خواهد شد.

به این ترتیب رژیم آخوندی که در آلوده کردن مردم به «خرافه» ید طولایی دارد، به یک رکورد جهانی جدید دست یافت حاجت مندان از این فرصت بزرگ غافل نشوند!

## نکته ها

و

## تازه ها

### اجابت امراربابان

به مبارکی و میمنت گنده شریعت نداران ام القرای اسلامی در اجابت امراربابان با گشایش دفتر حفاظت منافع شیطان بزرگ در تهران موافقت کردند.

گشایش دفتر حتمی است و رژیم در پی زمینه سازی و آماده کردن افکار عمومی درون و برون کشور بویژه هم پیمانان بنیاد گرا و افراطی خود در جهان اسلام و در مقابله با کفر جهانی است.

برای تحمیق مردم نیز بنا شده که واشینگتن، رسماً از جمهوری اسلامی در خواست کند و آخوندان نیز بپذیرند.

### پیداست از زانوی تو

احمد باطبی که ج.ا و اربابش، تبلیغات فراوان و هزینه کلانی برای معروف کردن و غالب کردن او به افکار جهانی و اپوزیسیون ساده دل ایرانی بخرچ داد، باز در تلویزیون صدای آمریکا ظاهر شد و گفت اساساً در مبارزه علیه ج.ا نبوده و برای انجام کاری به کوی دانشگاه رفته و دستگیر شده است. سپس شکر زیادی خورده که، در اتاق شکنجه درست بر روی تختی که شاه زندانیان را شکنجه میکرده، شکنجه شده است. در اصطلاح اطلاعاتی ها به این میگویند تحمیق مردم برای حفاظت از ج.ا. بیگانه ساخته.

## ناز شصتشان



با دستگیری یک پدر و دو پسر سوئسی که هر سه مهندس و در ارتباط با شبکه قاچاق وسایل غنی کردن اورانیوم به جمهوری اسلامی، لیبی و

کره شمالی بودند. روشن شد که این خانواده از عوامل سی.آی.ا، سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، بودند و این وسایل را پیش از آنکه به آن کشورها حمل شود دستکاری میکردند. به این ترتیب آمریکا از تمامی اطلاعات و لیست وسایل و خواسته های این کشورها آگاه بود.

## حامیان انقلاب اسلامی



شیرین عبادی دارنده زورکی و مصلحتی صلح نوبل در گفتگو با خبرنگار سیاسی خبرگزاری فارس ج.ا گفت: «من همیشه افتخار می

کنم که حامی انقلاب اسلامی ایران بوده ام.» وی تصریح کرد: «مرده شور شاهنشاه آریامهر را ببرند. من هیچوقت و در هیچ کجا نگفته ام که جانباز شاهنشاه آریامهرم.» یعنی سینه چاکان این محصول مشترک استعمار و آخوند، از روسای پیشین دانشگاه های ایران شاهنشاهی و حزب مشروطه و رادیو تلویزیون های لوس آنجلسی گرفته تا دو روزی نامه لندن و دوعلیرزای تریاکی و چند تروریست و چند نادان، همه «حامی» انقلاب اسلامی هستند.

## ای آمریکا



نوکران آمریکا پی در پی «نق» میزنند که آمریکا مثل انگلیس نیست که هوای «خدمه» خود را داشته باشد و به موقع بداد آنها برسد، اما گویا این بار صورت مسئله دگرگون شده و «آقا»

به یاری آمده است تا «یارو» را سر پا نگهدارد، شاید هم برای چهار سال بعدی. پرفسور حمید مولانا شهروند آمریکایی که تحصیلات خود را در نیگه دنیا، مدیون بورس وزارت خارجه این کشور است به سمت مشاور ویژه روابط عمومی؟ احمدی نژاد رییس جمهوری اسلامی منصوب شد.



برای رهایی ایران  
به رستاخیز ایران بپیوندید

<http://www.rastakhiz.org>

### آیین سدره پوشی



به تلاش کانون زرتشتیان سوئد، ورجاوند آیین سدره پوشی با حضور موبد جمشیدی و شرکت بسیاری از ایرانیان و اتباع سرزمین های دیگر که از کشورهای آلمان، دانمارک، لهستان، انگلستان، نروژ و سوئد آمده بودند، برپا شد. در این آیین با شکوه شمار بسیاری از باشندگان سدره پوشی کرده و به کسوت دین بهی «زرتشتی» درآمدند. دیرگاهی است که ایرانیان آزاده به آیین چند هزارساله نیاکان خود روی آورده اند و زرتشتی میشوند.

### ترور مخالفین



ماشین تروردستار بندان خود را آماده میکند تا دورتازه ای از کشتار مخالفین را در داخل و خارج آغاز کند. «آذرخش» نام سازمانی است که ترورهای ج.ا را سامان و به انجام میرساند و رییس آن در همه این سالها آخوند «محمد خاتمی» بوده است.

نیروهای آموزش دیده، امکانات حیرت انگیز و بودجه ای با ارقام نجومی به تازگی در اختیار «آذرخش» قرار گرفته و نیز تمامی سازمان های دولتی و نیروهای مسلح موظفند که نهایت همکاری ممکن را با تروویستهای آذرخش بعمل آورند. ج.ا برای ترور یک لیست ششصد نفره فراهم آورده است.

### بیگانه، بیگانه است



انتخابات ریاست جمهوری آمریکا معنای خاصی برای شماری از هموطنان ساده اندیش ما دارد و با دقت، همه فعالیت ها، تحلیل ها، آمارها و سخنان دو نامزد انتخاباتی و معاونان آنها را پی میگیرند. غافل از آنکه بیگانه، بیگانه است، دموکرات و جمهوریخواه و مسیحی و سوسیالیست ندارد و همه آنها فقط در اندیشه منافع خود هستند. مگر همین بیگانه سازنده و تحمیل کننده رژیم خون و جنون در ایران نبود؟

### شکایت به پلیس سوئد



در راستای تشکیل اتحادیه سراسری ایرانیان خارج از کشور توسط ج.ا گزارش کوتاهی در آزپاد شماره دو درج شد و به فعالیت های انجمن ایران و سوئد در شهر مالمو که میزبان کنگره سراسری بود و نیز متهم به اختلاسی معادل بیست و دو هزار یورو است، اشاره ای داشتیم. در تحقیق بیشتر روشن شد که اردوان خوشنود دبیر روابط عمومی سازمان رستاخیز ایران در مورد این اختلاس، از این انجمن با استناد به مدارک استوار به پلیس سوئد شکایت برده است. گفتنی است که اردوان دانشجوی رشته پزشکی و همچنین دانشجوی رشته تجزیه و تحلیل اطلاعاتی در دانشگاه لوند سوئد است.

## نکته ها و تازه ها

### پول نفت

هر رییس کل بانک مرکزی ج.ا نرخ واقعی تورم را آن هم با محاسبه خودشان، افشا کند برکنار و مورد خشم رژیم قرار می گیرد. دومین رییس کل نیز با افشای نرخ تورم بیش از بیست و هفت درصدی معزول شد. از سوی دیگر رکورد دیگری توسط ج.ا شکسته شد و دلار به بهای بی سابقه ده هزار ریال رسید.

این همان پول نفتی است که قرار بود سر سفره نان مردم بیاورند.

### یکی مُرد و یکی مردار شد



دقیقا همزمان با مردن مروتی، رفیق گلستان و گرمابه او، داریوش همایون هشتاد ساله شد و جمعی از تریاکیان، بنگیان، تروریستهای بازنشسته، کفدراسیونی های تحصیل تمام نکرده، کمونیستها و... در جشن تولد آن مرحوم در کلن آلمان گرد آمدند و به رقاصی و الواتی پرداختند. بهترین پیشگشی، تریاک زعفرانی سفارتی بود که نوری ژاده به همراه آورد و همه را سخت

خرسند کرد. هنوز روشن نیست که خاتمی و اربابان او گل و یا هدیه ای روانه کرده بودند یا خیر؟

### انتخابات دهمین دوره



نبرد برای کسب پیروزی در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ج.ا میان جناح های مختلف و پشتیبانان بیگانه شان از هم اکنون آغاز شده و صف

تازه ای برای شرکت در خیمه شب بازی دهم کشیده شده است. بنیادگرایان، اصولگرایان، حزب الله، اصلاح طلبان دولتی، تجدید نظر طلبان حکومتی، دوم خردادی ها و... چنگ و دندان به یکدیگر نشان میدهند. جدا از داوطلبان سیاهی لشکر و از حرفه ای هایی همچون کروی، قالیباف، رضایی، کمیته ای از تصمیم گیران دوم خرداد برای تدوین برنامه این جریان تشکیل شده است یعنی علم کردن دوباره خاتمی شاید علی خامنه ای نیز بر انتخاب مجدد احمدی نژاد اصرار دارد. شاید هم باید منتظر یک «سورپرز» جدید برای امت هماره در صحنه و اپوزیسیون دنباله رو بود.

### کوچکترین مخترع جهان

رژیم اسلامی برای ماندن بر سریر قدرت از دو روش منتهای استفاده را میکند. کشتار مردم و «استحمار». تبلیغات اساس استحمار است و بگفته گوبلز، دروغ هر چه بزرگتر باورش بیشتر. در پی شکافتن اورانیوم توسط یک دختر بچه دوازده ساله در آشپزخانه منزل و صدها کشف و اختراع از سوی جوانان بسیجی مقیم دهات کشور، مهسا خانم عباسی دختر بچه شش ساله مخترع تاس الکترونیکی برای بازی منچ بعنوان کوچکترین مخترع جهان، مدال طلای تکنومارت تایوان را از آن خود کرد.

### ای ایران کمونیست ها

سرود بسیار دلنشین و مردمی «ای ایران» هم در امان نماند و از سوی یک حزب کمونیستی کارگری باصطلاح ایرانی مقیم خارج از کشور مورد تجاوز به عنف قرار گرفت و دچار تحریف تاریخی شد و کالبد زنده یاد «گل گلاب» را در گورش لرزاند. رهایی ایران را در گرو «اتحاد» با این کارگزاران پیشین فاجعه اسلامی قرار داده اند که حتی به ساده ترین حقوق یک سروده و سراینده آن اعتنایی و اعتقادی ندارند تا چه رسد به حقوق انسان ها و مردم ایران.

## سفارش کتاب و فیلم مستند

سی سال پس از سلطه حکومت ضد بشری اسلامی ونشستن آخوند بر تخت قدرت، هنوز و همچنان حمله و دشنام به شاهان پهلوی و دولتمردان دوران شاهنشاهی و تحریف و تغییر تاریخ، شالوده و پایه برنامه های تبلیغاتی و شستشوی مغزی رژیم تروریستی جمهوری اسلامی غاصب را تشکیل میدهد.

جدا از ساختن برنامه ها و فیلمهای رادیویی و تلویزیونی و سینمایی و چاپ کتاب و روزنامه در درون و برون کشور و استفاده از شماری رجال سابق برای بیان خاطرات دروغین و نظریه پردازی های احمقانه، که در طول این سال ها بگونه پیگیر ادامه داشته و رژیم نیز خوب میداند که تاثیر چندان هم در میان گروه های مختلف مردم نداشته است، اقدام به حرکتی نه تازه زده است. رژیم اسلامی بمناسبت سی امین سال استقرار خود ناگزیر دست بسوی بیگانگان و ایرانیان خود فروخته خارج نشین زده است و با تخصیص ده میلیون یورو سفارش چندین کتاب و فیلم مستند داده است. امیدواریم نام این نویسندگان و مستند سازان را افشا کنیم.

## جنگ شیعه با سنی و وهابی

رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی از هنگام استقرار در ایران، جنگ پنهانی علیه دیگر ادیان و مذاهب و باورها، نخست در ایران و سپس در نقاط دیگر جهان آغاز کرد و اندک به اندک همراه سلط بیشتر بر ایران این جنگ را آشکار و آشکارتر کرد.

قتل عام بهائیان، قتل های زنجیره ای کشیشان مسیحی و رهبران مذاهب چهار گانه اهل سنت و اهل حق، یهودی ستیزی، ضدیت و ایجاد دشواری برای زرتشتیان و ارامنه و آسیوریان و پیروان آیین ها و باور های دیگر، در ایران و درگیری های خونین در لبنان، عراق، افغانستان، هندوستان و دیگر نقاط از مثال های بارز این جنگ است.

این جنگ اخیرا در ابعاد گوناگون افزایش یافته است و در بکار بستن وصیتنامه خمینی نبردی آشکار میان مذهب شیعه دوازده امامی و وهابیت در گرفته است که تلویزیون های سلام در لوس انجلس و صدای آمریکا، آتش بیاران معرکه هستند.



وصیت نامه حقیقی شاهنشاه آریامهر به زودی در آزریاد

## نکته ها و تازه ها

### باج به اعراب

در پی سفر احمدی نژاد و وزیر خارجه اش به امارات متحده عربی برای شرکت در نشست شورای همکاری خلیج فارس که دقیقا زیر تابلویی نشسته بودند که خلیج هماره پارس را خلیج عربی نوشته بود، جمهوری اسلامی روایت سفر اتباع قطر، امارات متحد عربی، عمان، کویت، عربستان سعودی و بحرین که کشورهای هموند شورای خلیج فارس هستند را به ایران بطور یکجانبه از میان برداشت. در صورتیکه ایرانیان برای دیدار از این کشورها نیاز به روادید (ویزا) دارند. هدف جمهوری اسلامی غاصب از این باج دهی روشن نیست.

اگر قراردادی منعقد شده است باید بر اساس قوانین و موازین حقوق بین الملل، آن کشورها هم روادید برای ایرانیان را لغو کنند. گفته میشود احمدی نژاد در این سفر قراردادهای ننگین تری را با اعراب بسته است.

## درد زمانه

شماره 986 هفته نامه لندن نیمروز مطلبی داشت در باره کتاب «درد زمانه» نوشته محمدعلی عمویی توده ای معروفی که 37 سال در نظام پیشین و در رژیم اسلامی در زندان بسر برده است. این کتاب برای فریب افکار عمومی از سوی رژیم آخوندی در حدود سیزده سال پیش در تهران به چاپ رسیده است و اشاره به آن امروز در «نیمروز» جای پرسش بسیار و تردید دارد.

به هر روی عمویی می نویسد: «تا محکومیت قطعی بازداشت شدگان حزب توده و شاخه نظامی در دادگاه عالی، تمامی حقوق آنان پرداخت میشد و از چهل و چند نفر محکومین قطعی به اعدام تنها شش نفر اعدام شدند.



با عفو ملکونه شمار بسیاری از زندان آزاد شدند که آزاد شدگان سازمان نظامی حدود شصت درصد اعضای آن بود. سازمان نظامی حزب توده بعد از 28 مرداد 1332 دست به تدارکات برنامه هایی زد، نقشه های دقیقی از نقاط حساس و پادگان ها تهیه کرد. در زندان دکتر پیمان بساط دندان پزشکی راه انداخته بود و محمد منتظری انگلیسی یاد میگرفت و به تخت جمشید برای دیدن رفیق و...». «در زندان مورد شکنجه ساواک قرار گرفتیم و چون درخواست عفو نکردم همچنان تا سال 1357 در زندان ماندم.»



دروغ که حناق نیست. عمویی در شهریور ماه 1333 بازداشت شده و آن زمان اساسا ساواک وجود نداشت. او در 13 مهر ماه 1334 طی نامه ای درخواست عفو از پیشگاه شاهنشاه کرد که پذیرفته نشد. او از قتل هایی که دو اداره اطلاعات سازمان مخفی نظامی حزب توده مرتکب شد و در آنها مشارکت فعال داشت نمی نویسد و نمی گوید که دلیل مورد عفو قرار نگرفتن، آلوده بودنش به خون بی گناهان بود.

در برابر کسانی سر فرود آوریم  
که به حکومت خون و جنون همواره «نه» گفته اند

